

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

بحث الاول

نام کتاب تحریر

مؤلف متن محمد ابراهیم بن حسن کرباسی محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر ۱۲۵۵ ه‍ ق نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۶

موضوع فقه زبان عربی عدد اوراق ۱۰۵

طول ۱۸/۵ عرض ۱۱ شمارهٔ عمومی ۲۹۲۲۲

وقفی / خریداری حاج آقا نیری

تاریخ وقف ۱۳۱۲ ه‍ ش نام کاتب

ملاحظات

۱۰۷

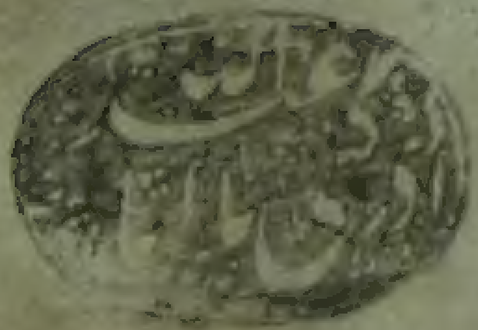
آن جا که رسیده باشد بغیر آن معین است آب شستن ای تمام
و همچنین معین است شستن آب اگر با غایط نجاست دیگر
بیرون بیاید مثل خون و معتبر نیست عدد در استنجای غایط
آب بلکه پاک شدن معتبر است و اعتبار به بوی و رنگی که در محل
باد درست باشد نیست و اما در استنجا بغیر آب معین است
بودن هر چند بکمتر از آن ازاله شود غایط چنانچه اگر
نشود معین است زیاده تا آنکه برطرف شود و کفایت نمیکند
بودن سه طرف یک سنگ و در حکم سنگ است هر چیزی که طاهر
باشد و غایط را برطرف نماید چه از جنس زمین باشد مثل
چوب و علف و کرباس و کتان و چه از معدن مثل طلا
و نقره و چه از حیوان خواه تمام آن باشد یا بعض آن و خواه جزو
استنجا کننده باشد مثل کف دست و انگشت یا که غیر جزو
استنجا کننده باشد مثل دست زن و جاریه و خواه متصل باشد
آن جزو بحیوان و خواه منفصل مثل پشم حیوان یا قطعه منفصله از
آن و جایز نیست استنجای بچیزیکه حرام است تصرف نمودن در آن
بدون اذن مالک و بچیزیکه محترم شود بسبب استنجا کردن با آن

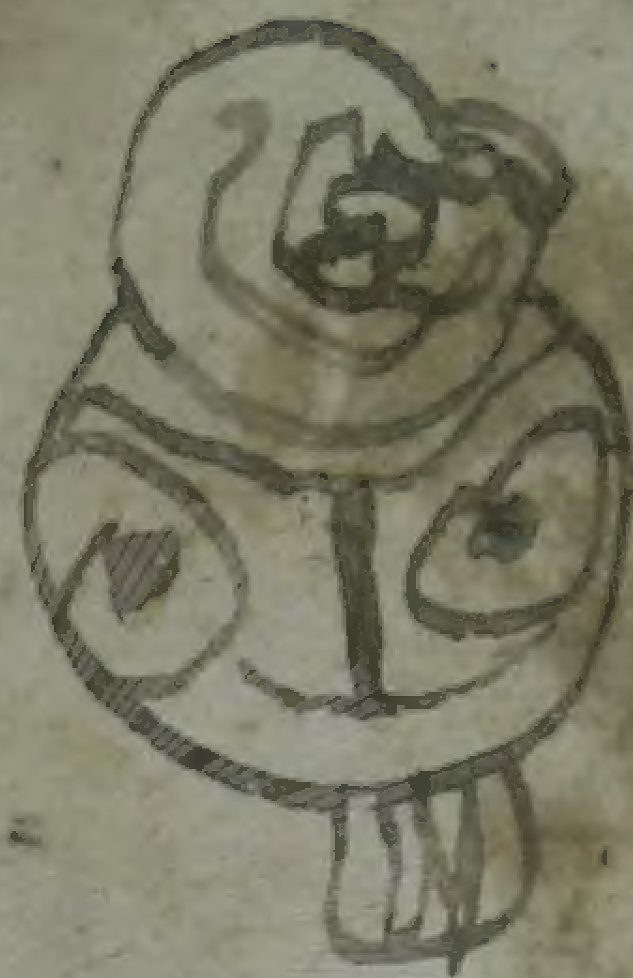
باشند واجب است دو کفاره بر زوج و اگر زن اطاعت شوهر نموده
باشد هم واجب است بر هر یک یک کفاره بحث چهارم در علامات
دخول ماه رمضان و آن چند چیز است اول دیدن هلال پس هر
که دید ماه را واجب میشود بر آن روزه هرگاه یقین داشته باشد
بدیدن هر چند دیگری ندیده باشد دوم گذشتن سی روز از
هلال شهر شعبان که در اینصورت واجب میشود روزه هر چند هلال
شهر رمضان دیده نشود و هم چنین هلال شوال معلوم میشود
بگذشتن سی روز از هلال ماه رمضان سیم شهادت عدلین
هرگاه موافق باشند در شهادت در وصف هلال و شهادت
بدهند بدیدن و موقوف نیست قبول آن بر حکم حاکم شرع بلکه مقبول است
شهادت ایشان هر چند حاکم شرع رد نماید شهادت ایشان را
بجهة عدم معرفت بر حال ایشان یا بسبب اشتباه در امر ایشان
چهارم شیاع یعنی جمعی بگویند که ماه را دیدیم و ثابت میشود
بآن هلال با حصول علم بلکه با حصول ظن متاخم بعلم پنجم آنکه شرط است
در وجوب قضا بلوغ و عقل و اسلام و ایمان پس واجب نیست
قضا بر طفل و دیوانه و بیهوش و کافر مگر آنکه ادراک نماید آنها اول

صبح

صبح صادق را با شرایط و اما حایض و نفسا پس واجب است
بر هر یک قضا و هم چنین بر کسیکه خواب رفته باشد در تمام روز
و نیت نکرده باشد و کسیکه روزه را فراموش کرده باشد و کسیکه
ترک نموده باشد روزه را بعد از وجوب بر او و عدم قیام غیر روزه
مقام آن و کسیکه فراموش نموده باشد غسل جنابت را و بگذرد
بر آن چند روز یا کل ماه که واجب است بر او قضا و اگر غافل شود
از جنابت یا از غسل یا از آنکه شب روزه است واجب نیست
بر آن قضا و هم چنین واجب است قضا بر مرتد چه ملی باشد چه فطری
و واجب نیست بر سنی و نه بر سایر فرق اسلام که محکوم بکفر نمیشوند
خوارج و غلات مگر آنچه فوت شده باشد از ایشان یا اخلالی رسیده
باشند بآن بنا بر مذهب شیعه صحیح باشد و وجوب قضا فوری نیست
و بگذارد و مستحب است تتابع در آن و ترتیب در آن و واجب نیست چه
از یک سال بگذرد یا بیشتر لیکن سنت است و روزه مستحب صحیح
نیست از کسیکه در ذمه او روزه واجب باشد مگر آنکه قادر نباشد
بر واجب که جایز است تمّ الکتاب بعون الملک الوهاب

وکان الفراغ من تحریر ذلک فی شهر ربیع الثانی
فی سنه ۱۲[illegible]





الله